



## مثل دانشمندان

در یک روز تعطیل، من همراه پدر و مادرم به پارک جنگلی رفته بودم. پدر گفت: «فصل بهار چقدر قشنگ است. نگاه کن، چقدر گیاه و حیوان اینجا است. هر کدام برای خود یک جور زیبایی دارد. خیلی از حیوانات و گیاهانی را که در کتاب خوانده بودی، امروز می توانی اینجا پیدا کنی. مثل دانشمندان به آن ها نگاه کن! کسی چه می داند شاید تو هم دانشمند بزرگی برای کشورت بشوی.»

پدر قدم زنان به تماشای طبیعت رفت ولی مادرم نشسته بود و اطراف را نگاه می کرد. من با دقت به طبیعت زیبا نگاه می کردم. یک سنجاقک قشنگ دیدم، ولی همین که خواستم او را بگیرم، مادرم گفت: «به این جانور زیبا چه کار داری؟»

رفتم قورباغه بگیرم. گفت: «فرزندم، به حیوان دست نزن!» دنبال یک ملخ دویدم و او را گرفتم. مادرم گفت: «تو امروز برای بازی آمدی؛ برو گردش کن.» کسی صبر کردم و گفتم: «اگر قرار است من دانشمند بشوم باید این ها را خوب نگاه کنم و دست و پا و شاخک هایشان را بشمارم.»

مادر گفت: «تو می خواهی دانشمند شوی، خوب است ولی باید مراقب باشی به چیزهای دیگر آسیب نرسانی.» گفتم: «این ها هم در این مدت دست و پای من را بشارند، آن وقت همه دانشمند می شویم. من جانورشناس، آن ها آدم شناس.»





## درست، نادرست

۱. روز جمعه همراه پدر و مادرم به کوهستان رفته بودیم.
۲. گیاهان و جانوران هرکدام یک جور زیبایی دارند.
۳. اگر قرار است من دانشمند شوم، باید از این جانوران نگهداری کنم.



## گوش کن و بگو

۱. ماجرای درس در کجا و در چه فصلی اتفاق افتاده بود؟
۲. چه جانورانی توجه کودک کنجکاو را جلب کردند؟
۳. پیشنهاد پدر برای این که فرزندش مثل دانشمندا رفتار کند، چه بود؟



## واژه سازی



## بیاموز و بگو



- صدای جیک جیک گنجشکان به گوش می‌رسید.
- صدای چهچه بلبلی‌ها به گوش می‌رسید.
- صدای شرشر آب را از دور می‌شنیدم.
- بچه‌ها با هم بیج بیج می‌کردند.

## حالا تو بگو



- ..... قارقار می‌کند.
- ..... بعبع می‌کند.
- ..... هاپ‌هاپ می‌کند.
- ..... قوقولی قوقو می‌کند.

## پیداکن و بگو



۱. کلمه‌هایی را که در آن‌ها نشانه‌ی «وق» وجود دارد.
۲. کلمه‌هایی را که در آن‌ها نشانه‌ی «ط» وجود دارد.

## فکر کن و بگو



۱. کدام فصل را بیشتر دوست داری؟ چرا؟
۲. برای اینکه دانشمند شوی، چه کارهایی باید انجام بدهی؟